

## بوی عیدی





## بوی عیدی

بوی عیدی، بوی توپ، بوی کاغذرنگی  
بوی تُند ماهی دودی، وسط سفره نو  
بوی یاس جانماز ترمه مادر بزرگ  
با اینا زمستونو سرمی کنم  
با اینا خستگیمو درمی کنم

شادی شکستن قلک پول  
وحشت کم شدن سکه عیدی از شمردن زیاد  
بوی اسکناس تانخورده لای کتاب  
با اینا زمستونو سرمی کنم  
با اینا خستگیمو درمی کنم

فکر قاشق زدن یه دختر چادرسیاه  
شوق یک خیز بلند از روی بُته های نور  
برق کفش جفت شده تو گنججه ها  
با اینا زمستونو سرمی کنم  
با اینا خستگیمو درمی کنم

عشق یک ستاره ساختن با دولک  
ترس ناتموم گذاشتن جریمه های عید مدرسه  
بوی گل محمدی که خشک شده لای کتاب  
با اینا زمستونو سرمی کنم  
با اینا خستگیمو درمی کنم

بوی باغچه، بوی حوض، عطر خوب نذری  
شب جمعه پی فانوس توی کوچه گم شدن  
توی جوی لاجوردی هوس یه آب تنی  
با اینا زمستونو سرمی کنم  
با اینا خستگیمو درمی کنم